معرفى كتاب غيبت نعمانى

محمد جواد شبيرى زنجانى

اشاره: نوشتار حاضر، پس از معرّفي محتوايي و ذكرابواب اصلي كتاب الغيبة، از نعماني، و شيوه و سبك نگارش و ويژگي‏هاي تأثير گذار آن، نسخه‏هاي خطي و چاپ‏هاي آن را نقد، و بررسي و ضرورت تصحيح انتقادي تازه‏اي از كتاب الغيبة را گوشزد كرده است.

در مقدّمه‏ي اين سلسله مقالات، به اجمال، به معرّفي كتاب الغيبة نعماني اشاره رفت و تفاوت‏هاي اين كتاب با دو كتاب مشابه آن، يعني كمال الدين شيخ صدوق و الغيبة شيخ طوسي، بيان شد. در اين جا، با تفصيلي بيش‏تر، به شناسايي اين كتاب مي‏پردازيم.

ابواب كتاب‏

الغيبة نعماني در بيست و شش باب تنظيم شده است. اكثر ابواب، نسبتاً، كوتاه است. ابواب مفصّل كتاب - كه چهره‏ي كلّي كتاب را شكل داده‏اند - عبارت است از:

ب 4 (ص 57 - 111) ما روي في أنَّ الائمة اثنا عشر إماما و أنّهم من الله و اختياره

در پايان اين باب، رواياتي چند از طرق عامه در اثبات عدد دوازده امام‏عليهم السلام نقل شده است. در ضمن آن، به نقل عبارتي از تورات درباره نام‏هاي امامان به زبان عبري مي‏پردازد.

مؤلِّف باب ديگري (باب 6، ص 116 - 127) را درباره احاديث دوازده امام كه از طريق عامه نقل شده، گشوده، كه ظاهراً پس از تأليف كتاب افزوده شده است.(1)

ب 10 (ص 140 - 194) - ما روي في غيبة الإمام المنتظر [و هو(2)] الثاني عشر

ب 13 (ص 212 - 247) - ما روي [جاء خ.ل(3)] في صفته [صفات القائم عليه السلام، خ.ل‏] و سيرته و فعله [و في أصحابه و ما يريد الله، جلّ و عز، به(4)]، و ما نزل من القرآن فيه.

ب 14 (ص 247 - 283) - ما جاء في العلامات الّتي تكون قبل قيام القائم عليه السلام‏[و يدل (تدل خ.ل) علي أنَّ ظهوره يكون بعدها كما قالتِ الأئمةُعليهم السلام ]

در اين چند باب گسترده، عناوين فرعي هم ذكر شده كه نقل احاديث را منظّم‏تر مي‏سازد.

ابواب كتاب، تقريباً سه گونه‏اند: ابواب مقدّماتي (مربوط به مباني غيبت)، غيبت و دوران غيبت، عصر ظهور و علائم آن.

نُه باب نخستين كتاب، به مباني عقيدتي غيبت، مانند لزوم راز داري و الهي بودن منصب امامت و ضرورت وجود امام بر روي زمين و روايات مربوط به دوازده امام‏عليهم السلام مي‏پردازد.

سه باب بعدي (باب 10 تا 12) به غيبت و گزارش دوران غيبت اختصاص دارد. باب 15 و 16 نيز به همين دوران مربوط مي‏گردد.

بقيّه‏ي ابواب كتاب، به دوران ظهور يا علائم ظهور مي‏پردازد.

در اين ميان، يك باب (باب 24) موضوع خاصّي را دنبال مي‏كند. اين باب، بطلان امامت اسماعيل (فرزند امام صادق عليه السلام) را اثبات مي‏كند كه در ارتباط با ادّعاي مهدويّت خليفه‏ي فاطمي است - كه به مذهب اسماعيلي بود -. درباره اين موضوع، پس از اين، بيش‏تر سخن مي‏گوييم.

توضيحات مؤلّف‏

حجم اصلي كتاب را نقل احاديث اهل بيت عليهم السلام شكل داده است، ولي مؤلّف، در مقدمه‏ي تا حدودي طولاني خود(5) و در لابلاي احاديث، توضيحاتي افزوده كه در مجموع حدود 16 كتاب را به خود اختصاص داده است.(6)

در مقدمه، انگيزه‏ي تأليف كتاب را انحراف اكثريّت منتسبان به شيعه از راه درست به خاطر وقوع غيبت دانسته و اشاره كرده كه بيش‏تر مردمان، با انگيزه‏هاي غير صحيح، به اين مذهب روي آورده‏اند، لذا با اندكي شبهه از آن روي بر تافته‏اند. مؤلّف، در اين مقدّمه، بر نكته جالبي تأكيد مي‏كند. او، نوشته است: با وجود حجم عظيم روايات كه از ائمه‏ي معصومين‏عليهم السلام درباره‏ي غيبت به ما رسيده، اگر حادثه‏ي غيبت به وقوع نمي‏پيوست، مذهب امامت باطل مي‏بود، بنابر اين، وقوع غيبت، خود، دليل بر صدق گفتار ائمه‏عليهم السلام است.

مؤلّف، اشاره مي‏كند كه حيرت و ترديد اكثريّت شيعه در اين موضوع، امري غير منتظره نيست؛ زيرا، امامان‏عليهم السلام آن را پيشگويي كرده‏اند.

فهرستي از مطالب كتاب پايان بخش مقدّمه مؤلّف است.

نثر كتاب، شيوا و روان و دلنشين و آميخته با صنايع ادبي، بويژه سجع، و در عين حال بدون تكلّف است و چيره دستي مؤلّف را بر ادبيات عرب مي‏رساند. البته، از كسي كه به لقب ((كاتب)) خوانده شده، جز اين، انتظاري نيست.

از آن جا كه اين سطور، در روز ميلاد حضرت امير عليه السلام نگارش مي‏يابد، به نقل صلوات زيبايي بر آن حضرت و ائمه معصومين‏عليهم السلام برگرفته از مقدمه‏ي كتاب تبرّك مي‏جوييم(7):

نعماني، پس از ذكر مقام والاي حضرت ختمي مرتبت مي‏گويد:

صلّي الله عليه و علي أخيه أمير المؤمنين تاليه في الفضل و مؤازره في اللأواء و الأزْل و سيف الله علي أهل الكفر و الجهل، ويده المبسوطة بالإحسان و العدل، و السالك نهجه في كلِّ حالٍ، و الزائل مع الحق حيثما زال، و الحاوي(8) علمه و المستودع سرّه [و ]الظاهر علي مكنون أمره.

و علي الأئمة من آله الطاهرين الأخيار، الطيبين الأبرار، معادن الرحمة، و محلّ النعمة، و بدور الظلام، و نور الانام، و بحور العلم، و باب السلم(9)، الّذي ندب الله، جلّ و عزّ، خلقه الي دخوله، و حذرهم النكوب عن سبيله، حيث قال ((يا أيّها الّذين آمنوا ادخلوا في السلم كافةً و لاتتبعوا خطوات الشيطان))(10)... .

درود خداوند بر پيامبر و برادرش امير المؤمنين كه تالي تلو وي بود در فضيلت و يارِ او در سختي و مصيبت، شمشير پروردگار بر اهل كفر و جهالت و دستِ گشوده حق به احسان و عدالت. هماره، راه او مي‏پيمود وبر مدار حق حركت مي‏نمود. گنجينه دانش ربوبي و وديعه گاه اسرار بود و چيره بر رازهاي پنهان پروردگار.

درود بر امامان اهل بيت، پاكان نيكو نهاد و پاكيزگان برتر از گناه و ايراد، معادن رحمت و جايگاه نعمت، ماه‏هاي درخشنده در تاريكي‏ها و روشني بخش انسان‏ها، درياهاي دانش و دروازه صلح و آشتي كه خداوند، عزّ و جلّ، آفريدگان خويش را به وارد شدن بدان خوانده و از كناره جويي از راه آن بر حذر داشته، آن جا كه مي‏فرمايد: ((اي اهل ايمان، همگي، در صلح و آشتي در آييد و راه شيطان مپوييد))...

موضوعات محور كلام نعماني‏

مؤلّف، در موضوعاتي مختلف سخن گفته است. اشاره به پاره‏اي از اين موضوعات مفيد است:

ردّ بر عامه(11)؛

ردّ بر معتزله و ديدگاه ايشان كه تقديم مفضول را بر افضل روا مي‏دانند(12)؛

بطلان قياس و اجتهاد به رأي(13)؛

لزوم مراجعه به اهل بيت عليهم السلام و بي نياز ندانستن خود از ايشان(14)؛

مصائب حضرت زهراعليها السلام كه ننگ آن از چهره اهل اسلام زدوده نمي‏شود(15)؛

دانش تمام چيزها، از خرد و كلان، در قرآن آمده، ولي تنها اهل بيت‏عليهم السلام بدان آگاه‏اند(16)؛

مذمّت اختلاف در دين(17)؛

انكار امامت حضرت امير عليه السلام يا يكي از امامان‏عليهم السلام به نفاق مي‏انجامد(18)؛

انكار يكي از امامان، مانند انكار تمامي ايشان است(19)؛

امامت، به اختيار الهي است، نه به اختيار مردم؛

اعتبار كتاب سليم بن قيس، (از مصادر غيبت نعماني).(20)؛

تواتر احاديث دوازده امام‏عليهم السلام (21)؛

روايات دوازده امام، تنها با اعتقاد اماميّه سازگار است(22)؛

اشاره به اندك بودن معتقدان به مذهب صحيح در آن روزگار(23)؛

فرقه‏هاي انحرافي منشعب شده از تشيّع و بطلان آن‏ها و هشدار به شيعه به عدم پيروي از گمراهي ايشان(24) ؛

بطلان ادّعاي امامت از سوي سادات و آل ابي طالب(25)؛

شواهد روايات بر صحّت عقايد امامّيه و تطبيق احاديث بر امام عصر عليه السلام و غيبت آن حضرت(26)؛

ديدگاه‏هاي مختلف درباه امام عصر عليه السلام(27)؛

بعيد نبودن عمر طولاني امام عصر عليه السلام(28)؛

تشبيه غيبت حضرت مهدي عجل اللّه تعالي فرجه به داستان ولادت حضرت موسي‏عليه السلام و نشو و نماي آن حضرت(29)؛

تواتر احاديث غيبت(30)؛

اشاره‏ي احاديث اهل بيت‏عليهم السلام به غيبت اوّل (=غيبت صغرا) كه در آن، سفرا، ميان امام‏عليه السلام و مردم واسطه‏اند(31)؛

توصيف مقامات سفراي امام عصر عليه السلام(32)؛

پايان يافتن غيبت اوّل و فرا رسيدن غيبت دوم (=غيبت كبرا)(33)؛

سنِّ ((صاحب الامر)) و ((قائم)) و سيماي آن حضرت در هنگام ظهور بر هيچ يك از امامان پيشين و ديگر افرادي كه مهدويّت آنان ادعا شده، تطبيق نمي‏كند(34)؛

توجيه رواياتي كه در تعيين وقت ظهور نقل شده(35)؛

سيماي حضرت مهدي عليه السلام در آيينه‏ي روايات و عدم انطباق آن با اوصاف خليفه‏ي فاطمي(36)؛

اشاره به بطلان مذهب اسماعيليه(37)؛

نكاتي درباره روش تأليف كتاب

مؤلّف، تنها، بر احاديث خاصّه تكيه مي‏كند(38)، با اين حال، براي تأكيد مطلب، به روايات عامه(39) و نيز به تورات، استناد مي‏جويد(40).

نعماني، در توضيحاتي كه در ادامه‏ي روايات آورده است، گاه، به توضيحي كوتاه بسنده مي‏كند(41) و گاه، حديث مورد نظر رابا استفاده از حديثي ديگر، توضيح مي‏دهد(42)، و با بهره‏گيري از احاديث معروف، مانند حديث ثقلين، مفاد روايت را تشريح مي‏كند.(43)

توضيحات مؤلّف، آكنده از آيات قرآني است. كه نشانه‏ي تسلّط وي بر قرآن است.

از توضيحات مؤلّف روشن مي‏شود كه وي، شيعيان را به عنوان مخاطب خود در نظر گرفته است. تعبير ((يا معشر الشيعة(44))) و ((يا أيّها الشيعة الأخيار(45)))، در چند جاي كتاب ديده مي‏شود.

از سوي ديگر، كتاب، در درجه نخست، در ردّ بدعتگذاران از فرقه‏هاي منسوب به تشيّع، نگارش يافته است. نعماني، از اين گروه، با تعابيري مانند ((أهل الدعاوي الباطلة المنتمين الي الشيعة و هم منهم بَراء(46)))، يا ((طوائف من العصابة (العصائب خ .ل) المنسوبة إلي التشيّع المنتمية إلي نبيّها محمّد و آله صلي الله عليه و آله ممّن يقول بالإمامة(47))) يا ((الطوائف المنتسبة إلي التشيّع ممّن خالف الشرذمة المستقيمة علي امامة الخلف بن الحسن بن علي(48))) ياد مي‏كند.

البته، پاسخ اجمالي به ديدگاه‏هاي عامه و بيان فساد مذهب ايشان نيز از نظر مؤلّف، دور نمانده است.

سبك نگارش كتاب و ادبيات آن، جالب توجّه است. مؤلّف، با بهره‏گيري از روش‏هايي، در صدد ايجاد تحرّك در خواننده است و وي را از رخوت و سستي به دور مي‏دارد. وي، با توصيه‏ي پياپي به تأمّل و انديشه، مخاطبان را به صورت فعّال، در جريان فكري مباحث كتاب قرار مي‏دهد و از حالت انفعالي بيرون مي‏برد. عباراتي مانند ((فتأمّلوا(49)))، ((فاعتبروا(50)))، ((فانظروا(51)))، ((انظروا))(52)، ((فتبيّنوا))(53)،... در اين زمينه، به كار گرفته شده است(54).

وي، از سوي ديگر، فرجام ناگوار دور شدن از مسير صحيح امامت را گوشزد مي‏كند. بيدار باش‏هاي اعتقادي و انذار و تبشير، در كلام نعماني، فراوان ديده مي‏شود.(55)

وي، مخاطبان خود را با اوصافي ويژه مي‏ستايد كه خود تشويقي است جدّي به انديشه ورزي ژرف در احاديث اهل بيت‏عليهم السلام براي راهيابي به آستانه‏ي هدايت و استمرار بر طريق ولايت.

به تعابير زير توجه فرماييد:

يا أُولي الأبصار(56)؛

يا أُولي الأبصار الناظرة بنور الهدي، و القلوب السليمة من العمي، المشرقة بالإيمان و الضياء(57)؛

يا مَنْ وهب الله له بصيرة و عقلاً، و منحه تمييزاً و لبّاً(58)؛

أيّها الشيعة الأخيار(59)؛

يا معشر الشيعة، ممَّن وهب الله تعالي له التمييز و شافي التأمّل و التدبّر لكلام الأئمةعليهم السلام (60)

دعا كردن مخاطبان با تعابيري مانند ((رحمكم الله(61))) نيز در جهت تأثير گذاري كتاب است.

از سوي ديگر مؤلّف بدعتگزاران را نيز با اوصاف ناپسندشان مذمت مي‏كند:

المبتدعون الّذين لم يذقهم الله حلاوة الايمان و العلم و جعلهم بنجوة منه و بمعزل عنه(62).

مؤلّف، توضيحات خود را از حمد و ثناي الهي بر هدايت و راهيابي آكنده است.(63)

ذكر نمونه‏اي از نثر شورانگيز و محرّك مؤلّف، سودمند است:

فاستيقظوا - رحمكم الله - من سنة الغفلة و انتبهوا من رقدة الهوي، و لايذهبن عنكم ما يقوله الصادقون‏عليهم السلام صفحاً باستماعكم إيّاه بغير آذان واعية و قلوب متفكرة و الباب معتبرة متدبرة لما قالوا أحسن الله إرشادكم... و الحمد للّه ربّ العالمين؛

از خواب غفلت - خداوند رحمت‏تان كناد! - بيدار شويد و از پيروي هوا و هوس دست شوييد. سخنان صادقين‏عليهم السلام را با گوش‏هاي هوشيار و قلب‏هاي انديشه‏مند و دل‏هاي عبرت‏آموز و تدبّرآميز، گوش فرا دهيد تا آن‏ها را از كف ندهيد. خداوند، به نيكي، شما را هدايت كناد!... الحمدللّه رب العالمين.(64)

مؤلّف، براي تحرّك بخشي به مخاطبان و شورآفريني در طالبان حق و حقيقت، از روش استفهام، بويژه استفهام منفي، استفاده مي‏كند. عبارات زير، گونه‏هاي مختلفي از اين روش را نشان مي‏دهد:

أليس في هذه الأحاديث - يا معشر الشيعة!... -، بيان ظاهر و نور زاهر؟ هل يوجد أحد من الائمة الماضين‏عليهم السلام يشكّ في ولادته، و اختلف في عدمه و الّا هذا الامام الّذي جعل كمال الدين به و علي يديه...(65)

فَمَنْ صاحبُ هذه الغيبة غير الإمام المنتظر و مَنِ الذي يشكُّ جمهور الناس في ولادته إلّا القليل - و في سِنّه؟ و مَنِ الذي لايأبه له كثير من الخلق و لايصدّقون بأمره، و لايؤمنون بوجوده، إلّا هو...(66)

أما ترون - زادكم الله هدي! - هذا النهي عن التنويه باسم الغائب‏عليه السلام.(67)

فأي أمر أوضح و أي طريق أفسح من الطريقة الّي دلّ عليها الائمة عليهم السلام في هذه الغيبة و نهجوها لشيعتهم حتّي يسلكوها مسلّمين غير معارضين و لامقترحين و لاشاكّين، و هل يجوز أن يقع مع هذا البيان الواقع في امر الغيبة شك(68)؟.

هل هذه الأحاديث - رحمكم الله! - إلّا دالة علي غيبة صاحب الحق (69)؟

بدين ترتيب، ابو عبدالله نعماني كاتب، با نثري زنده و حركت بخش و شورانگيز، شيعيان را به انديشه وا مي‏دارد و به هدايت ايشان اميد مي‏بندد.(70)

چاپ‏هاي غيبت نعماني‏

از غيبت نعماني، پنج چاپ مي‏شناسيم:

1. چاپ سنگي، به كوشش علي نقي گيلاني، دار الخلافه، طهران، 1318. اين كتاب، به خطِّ محمّد قمي نوشته شده است. در مقدّمه‏ي كاتب، به تاريخ 1317 آمده: ((در كمال دقّت، از روي نسخ عديده قديمه، در دار الإيمان قم، نسخ و تصحيح تامّ شد.))

در پايان كتاب هم آمده: ((قد بلغ قبالاً و تصحيحاً علي نسخ معتمدة في مجالس آخرها صبيحة الجمعة لعشرة أيّام بقين من ربيع الأوّل سنة 1317، و حررّه بيمناه الوازرة محمّد القمي، 1317)).

به پيوست كتاب (از ص 183 - 213) اربعين شهيد اوّل به چاپ رسيده است.

2. چاپ تبريز، مكتبه‏ي صابري، 1383. اين چاپ، از روي چاپ پيشين افست شده است، با اين تفاوت كه به جاي مقدّمه‏ي يك صفحه‏اي كاتب نسخه، مقدمه‏اي در شانزده صفحه، به قلم وليّ الله اشراقي درج شده و فهرست ابواب كتاب نيز در پايان ديده مي‏شود و اربعين شهيد اوّل هم همراه كتاب نيست.

3. تصحيح علي اكبر غفاري، مكتبه‏ي صدوق، تهران، 1397. اين چاپ، نخست بدون اعراب نشر يافت و سپس به دست آقاي محسن احمدي، با بازنگري حسين آقا استاد ولي، اعراب گذاري شد. درباره اين چاپ، پس از اين، بيش‏تر سخن مي‏گوييم.

4. تحقيق فارس حسّون كريم، انوار الهدي، قم، 1422. اين چاپ، از روي چاپ پيشين، با حذف حواشي كتاب و افزودن تخريج احاديث، انجام گرفته است.

5. همراه با ترجمه به قلم محمّد جواد غفاري (فرزند استاد غفاري)، از روي چاپ ايشان، نشر صدوق، تهران، 1418.

نسخه‏هاي خطي غيبت نعماني و چاپ استاد غفاري

استاد غفاري، در مقدّمه‏ي، كتاب، اشاره كرده‏اند كه در تصحيح كتاب به سه نسخه، اعتماد ورزيده‏اند؛ يكي به تاريخ 1077 و ديگري بدون تاريخ كه با توجه به خط آن، كتابت آن به قبل از قرن دهم يا در همان حدود حدس زده شده است.

سومين و مهم‏ترين نسخه‏ي مورد استناد ايشان، نسخه چاپي كتاب بوده كه اسانيد و دو باب آخر آن با نسخه‏ي شماره‏ي 187 كتابخانه‏ي آستان قدس رضوي، به دست آيت الله زنجاني (والد راقم سطور) أدام الله تعالي ظلّه، مقابله شده است. وصف نسخه به نقل از ايشان در مقدمه آمده است.

نويسنده‏ي اين مقاله، به اين نسخه مراجعه و مشاهده كرد كه تمام كتاب (سند و متن) با نسخه‏ي فوق، مقابله شده است. با دقّت در مقابله‏ها، به دست آمد كه مقابله‏ي نسخه در دو مرحله انجام گرفته و مقابله‏ي كامل نسخه، پس از بهره‏گيري استاد غفاري صورت گرفته و در هنگام استفاده ايشان، تنها، برخي موارد مورد لزوم (و نه تمام اسناد)، مقابله گشته است. لذا، تقريباً مي‏توان گفت، از اين نسخه نفيس و ارزشمند، در اين چاپ، بهره گرفته نشده است.

گفتني است كه جناب حجة الاسلام و المسلمين علي اكبر مهدي پور - دامت بركاته - نسخه‏ي خود را با اين نسخه، دو بار، با دقّت، و نيز با نسخه‏اي از آن كه در كتابخانه‏ي آيةالله مرعشي نگاهداري مي‏شود و غالباً، با نسخه‏ي فوق تطابق دارد، مقابله كرده‏اند. ايشان، از سر لطف، نسخه‏ي خود را در اختيار اين نويسنده قرار دادند و وي را قرين منت خويش ساختند.

ويژگيهاي نسخه‏ي خطي كتابخانه آستان قدس رضوي‏

اين نسخه كه به شماره‏ي 187 از كتب اخبار و شماره‏ي عمومي 1754 در اين كتابخانه نگاهداري مي‏شود، به تاريخ 577 نوشته شده است. متأسّفانه، نام ناسخ، گويا در هنگام بريدن صفحه، از ميان رفته است. اين نسخه، به همراه 399 جلد ديگر، به دست شيخ اسد الله، مشهور به ابن خاتون مشهدي در سال 1067 وقف آستانه مقدّس حضرت رضاعليه السلام شده است، برخي از قسمت‏هاي كتاب، با خطي مغاير، ولي عتيق نوشته شده است.(71)

در اين نسخه، روايات و گاه باب يا باب‏هايي از كتاب، ذكر نشده است كه فهرست آن‏ها چنين است:

ص 35، ح 4: حدّثنا أحمد بن محمد بن سعيد ؛

ص 37، ح 11: حدّثنا محمّد بن همام بن سهيل؛

باب 6، ص 116 - 127 (الحديث المرويّ عن طريق العامة). پيش‏تر گفتيم، گويا، اين باب، پس از تأليف، افزوده شده است.

ص 129، ح 4: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعيد ؛

ص 129، ح 5: حدّثنا محمّد بن يعقوب؛

ص 135 ح 19: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعيد؛

ص 175، ح 15: حدّثنا عبد الواحد بن عبدالله؛

ص 175، ح 16: حدّثنا محمّد بن يعقوب الكليني؛

ص 179، ح 25: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد؛

ص 216، ح 6: أخبرنا محمّد بن يعقوب؛

ص 224، ح 7: و عن محمّد بن يحيي‏

ص 241، ح 38: أخبرنا علي بن الحسين المسعودي؛

ص 286، ح 6: أخبرنا سلامة بن محمّد؛

ص 286، ح 7: حدّثنا عبدالواحد بن عبدالله بن يونس؛

ص 287، ح 8: أخبرنا أبو سليمان؛

ب 21 تا اواخر باب 24 (ص 317 - اواخر ص 328)

ص 331، ح 7: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد

تفاوت‏هاي نسخه‏ي رضوي با چاپ آقاي غفاري

آيا اين احاديث، از افزوده‏هاي مصنف پس از تأليف است يا نسخه‏ي خطي، دچار كاستي شده است؟ روشن نيست، با مقايسه‏ي اين نسخه با نسخه‏ي چاپي كتاب، تفاوت‏هايي چشم‏گير ميان آن دو، در اسناد و متون احاديث و توضيحات مؤلّف، ديده مي‏شود كه غالباً عبارت صحيح يا برتر، عبارت همين نسخه‏ي خطي است.

ما در بحث‏هاي آينده، به تناسب بحث از مصادر كتاب، به مواردي از اختلاف اسناد اين نسخه با نسخه‏ي چاپي، اشاره خواهيم كرد.

در اينجا تنها، اختلافات متن اين دو را در دو قسمت مي‏آوريم:

قسمت يكم، مربوط به اختلافات مقدمه كتاب است. در اين قسمت، بيش‏ترِ اختلافات را ياد كرده‏ايم. قسمت دوم، مربوط به نمونه‏هايي از اختلافات ديگر بخش‏هاي كتاب است.

براي تسهيل در مقايسه دو چاپ، آدرس چاپ سنگي را نيز آورده‏ايم، در برخي از موارد چاپ سنگي، مطابق نسخه رضوي است. اين موارد را با علامت \* مشخص ساخته‏ايم. در پاره‏اي از موارد هم، عبارت نسخه رضوي در حاشيه چاپ سنگي، ذكر شده كه با آوردن كلمه ((حاشيه)) در آدرس چاپ سنگي، بدان اشاره كرده‏ايم.

تفاوت‏هاي نسخه رضوي با چاپ آقاي غفاري در مقدّمه كتاب‏

چاپ‏آقاي غفاري چاپ سنگي متن چاپ متن نسخه رضوي‏

ص 18، اواخر \* ص 2، اواسط ان تعدّوا وإنْ تعدّوا [آيه قرآن‏]،

ص 19، س 2 ص 2، اواخر دالّين هادين دالّين و هادين‏

ص 19، س 3 ص 2، اواخر و مبلّغين مؤدين مبلّغين و مؤدين‏

ص 19، س 5 ص 2، س آخر اطلعهم علي غيبه اطلعهم عليه من غيبه‏

ص 19، س 7 و 8 ص 3، س 1 ترفّعا لاقدارهم رفعاً لإقدارهم‏

ص 19، س 8 و 9 ص 3، س 2 و لتكون حجةالله عليهم تامة و لتكون حجتّه بالغة تامّة

ص 19، س 13 ص 3، س 7 فصيّره إماماً بتصييره إماماً

ص 19، س 14 ص 3، س 7 و أعطاه الشفاعة بإعطائه الشفاعة

ص 20، س 11 \* ص 3، س آخر اذكاها أزكاها

ص 20، س 14 ص 4، س 1 طوائف من العصابة طوائف من العصائب‏

ص 20، س 16 ص 4، س 4 فاز بذمتها دان بدينها

ص 21، س 1 ص 4، س 6 التنزّه عن سائر المحظورات التنزّه عن المحظورات‏

ص 21، س 3 ص 4، اواسط كلمها كلمتها

ص 21، اواخر ص 5، س 1 الفرقة الثابتة علي الحق الفرقة المحقّة الثابتة علي الحق‏

در حاشيه‏ي نسخه رضوي به‏

اختلاف نسخه اشاره شده است.

ص 21، ما قبل آخر ص 5، س 1 لايضرّها الفتن لاتضرّها الفتن‏

ص 22، س 6 \* ص 5، س 6، حاشيه لم يهتموا الطلب العلم لم يهتموا بطلب العلم‏

ص 22، س 8 ص 5، اواسط علي قدر روايتهم علي حسب روايتهم‏

ص 22، س 10 ص 5، اواسط دخل في هذه المذاهب دخل في هذا المذهب‏

ص 22، ما قبل آخر ص 5، اواخر طلباً للرئاسة و شهوة لها و شغفاً بها حبّاً للرئاسة و شهوة لها و شغفاً

ص 23، س 2 ص 5، اواخر و هن من نفسه بصحة ما نطق به منه و هن يقينه بصحة تعلّق به منه‏

ص 23، س 9 ص 6، س 4 إرشادهم في الحيرة إرشادهم عند الحيرة

ص 20، س 9 \* ص 3، اواخر باب السلام باب السلم‏

ص 23، س 13 ص 6، اواسط الهداية إلي ما أوتي عنهم فيها ما يصحّح الهداية إلي ما اتي عنهم فيها ممّا يصحّح‏

ص 23، س ما قبل آخر ص 6، اواسط حسن الصورة حسن البصيرة

ص 23، س آخر ص 6، اواسط أتحفه بالفهم أخلصه بالفهم‏

ص 24، س 8 ص 6، اواخر قوّي اليقين في قلوبهم بصحة ما تلقّوه قدّر اليقين في قلوبهم بصحّة ما تلقّوه‏

ص 24، س 16 ص 7، س 3 ولاتكونوا ولايكونوا اين كلمه، جزئي از آيه‏ي‏

قرآن است كه به اين شكل است.

در نسخه خطي بي نقطه است.

ص 24، س 18 ص 7، س 5 ((إنَّ الله يحيي الأرض)) ((إعلموا أنَّ الله...))

ص 21، س ما قبل آخر ص 7، س 6 فإنّه كأنّه‏

ص 24، س آخر ص 7، س 7 فتأويل هذه الآية جاء فتأويل هذه الآية جارٍ

ص 25، س 4 \* ص 7، اواسط إمّا ظاهر معلوم أو خائف مغمور إما ظاهر معلوم و إمّا خائف مغمور

ص 25، س 13 ص 7، اواخر ما حدث من هذه الفرق العاملة بالأهواء ما حدث في الشيعة من هذه‏

الفرق العاملة بالأهواء

ص 26، س 7 ص 8، اواسط كان له طعام قد ذراه كان له طعام فذراه‏

ص 26، س 12 ص 8، اواسط حتّي نقيت منه رزمة كرزمة الإندر حتّي بقيت منه رزمة كرزمة الاندر

[الّذي ] لايضرّه السوس شيئاً - والاندر البيدر - لايضرها السوس شيئاً

ص 27، س ما قبل آخر ص 9، اواسط ناقة صالح ناقة ثمود

ص 29، س 2 \* ص 10، س 6 ما وفق الله جمعه ما وفق الله لجمعه‏

ص 29، س 7 ص 10، اواسط سر آل محمّدعليهم السلام سرّ الله‏

ص 29 ص وإنّهم أحد الثقلين به جاي ((التمسك)):

ص 29، س آخر ص 11، س 4 خذلاناً من الله شملهم به استخفافهم خذلانا من الله شملهم به استحقاقهم‏

ذالك و بما كسبت أيديهم ذالك بما كسبَتْ أيديهم‏

ص 30، س 10 ص 11، اواسط المؤثرون الملح الأجاج ((النمير)) در نسخه نيامده است.

علي العذب النمير الفرات

ص 31، س 4 \* ص 11، س ما قبل آخر فيمَن ادَّعي الإمامة و مَن زعم فيمَنِ ادّعي الإمامة و مَنِ ادّعاها

أنّه إمام و ليس بإمامٍ له و ليس بإمامٍ‏

ص 31، ما قبل آخر ص 12، اواسط ما جاء فيما يلقي القائم منذ قيامه‏عليه السلام ما جاء فيما يلقي القائم عند قيامه‏عليه السلام‏

فيبتلي من جاهلية الناس و يستقبل من جاهلية الناس، عنوان‏

ص 296 چاپي هم ((ويستقبل)) است.

ص 31، س آخر ص 12، اواسط جيش الغضب جيش العُصَب در ص 311 و 312.

در عنوان باب و در متن احاديث هم‏

به جاي ((الغضب)) و ((غضب)) در

نسخه خطي، ((العُصَب)) و

((عُصَب)) آمده است.

نمونه‏هايي از ساير مواضع كتاب

چاپ‏غفاري چاپ سنگي متن چاپ متن نسخه رضوي‏

ص 43، اواخر ص 18، اواسط فإنّ القرآن مع العترة فالقرآن مع العترة

ص 45، س 7 و 8 \* ص 19، اواخر فوكّلهم الله عزّوجلّ بمخالفتهم أمره، در نسخه، به جاي ((فولاهم))،

و عدولهم عن اختياره و طاعته و طاعة ((و لهم)) آمده است.

مَنِ اختاره لنفسه فولاّهم إلي‏

اختيارهم و آرائهم و عقولهم‏

ص 50، اواسط ص 22، اواخر الّذين يدين به العباد الذين يدين به الضُلاّل چاپ سنگي:

الّذين تدين به أئمة الضلال‏

ص 56، اواسط \* ص 26، س 7 فإذا كانت هذه حال مَن أخلف الوعد در نسخه، به جاي ((أنّ عقابه))،

في أنّ عقابه النفاق المؤدي ((أعقابه)) آمده است.

إلي الدرك الأسفل من النار سطر ما قبل آخر همين صفحه هم،

صحّت نسخه را تأييد مي كند.

ص 65، س 1 ص 30، اواخر أبدال الارض أبداً

ص 101، اواخر ص 47، س 6 من طرق رجال الشيعة الموثقين من طريق رجال الشيعة الموفّقين‏

ص 102، س 2 ص 47، اواسط المقداد و سلمان الفارسي سلمان و المقداد

ص 160، ماقبل آخر ص 82، حاشيه يطالبون بالإرشاد إلي شخصه و مع هذا الإنذار بقلة علمهم‏

و الدلالة علي موضعه و يقترحون و ضعف بصائرهم و أنّهم بمعزل عن‏

إظهاره لهم، و ينكرون غيبة، العلم يترجون ظهور الإمام لهم و

لإنَّهم بمعزل عن العلم يطالبون بالإرشاد إلي شخصه و

يذكرون غيبته و يقولون ما فعل و

أين هو و لِمَ يغيب و إلي كم يغيب،

و هم يعلمون ما سبق من علم الله و

تدبيره في أمر هذا الإمام وصفه الله‏

في المرتبة و المنزلة تحكما عن‏

(علي خ.ل) الله و اقتراحاً علي وليه‏

و استعجالاً لأمره و تقدماً بين يديه

ص 163، اواسط ص 85، س 5، حاشيه فيه شبه من يوسف فيه سنة [من ]يوسف‏

ص 169، ماقبل آخر ص 88، اواخر و هم الجازمون و هم الحازمون‏

ص 299، اواخر صفحه ص 160، س 6 و أزد و أزد البصرة

ص 311، اواخر ص 167، اواخر حدثني مَن رأي المسيب بن نجبة، حدّثني مَن رأي المسيب بن نجبة

قال: و قد جاء رجل إلي اميرالمؤمنين‏عليه السلام و قد جاء يدخل إلي أمير المؤمنين‏عليه السلام‏

و معه رجل يقال له ((ابن السوداء))، و معه رجل يقال له ((ابن السوداء))

فقال له: يا أمير المؤمنين و هو متلبّبة فقالوا: يا أمير المؤمنين‏

ص 331، ماقبل آخر ص 180، س آخر ملك القائم منّا يملك القائم منّا

نمونه‏ي بسيار جالبي از تحريفات نسخه‏ي چاپي(72)

در حديثي از امام باقرعليه السلام در نسخه چاپي الغيبة نعماني ص 301 (ص 161، چاپ سنگي) مي‏خوانيم: ((إنّهما أجلان: أجل محتوم، و أجل موقوف. فقال له حمران: ((ما المحتوم)) قال: ((الّذي للّه فيه المشيئه)). قال حمران: ((إنّي لأرجو أن يكون أجل(73) السفياني من الموقوف)). فقال ابو جعفر عليه السلام: ((لا و الله: إنّه لمن المحتوم.))

اين متن از دو سو، با اشكال همراه است: نخست اين كه در اين حديث، تنها به تعريف اجل محتوم پرداخته شده و ديگري اين كه تعريف ارائه شده با اجل موقوف سازگارتر است تا با اجل محتوم. اين دو اشكال، هر دو، از يك ريشه نشأت گرفته است و آن، اشتباه در نسخه چاپي است. در اين‏جا، اين يك سطر، قبل از ((الّذي للّه فيه المشيئه)) افتاده است: ((الّذي لايكون غيره.)) قال: ((فما الموقوف؟)) فقال: ((هو)).

تكرار ((قال الّذي)) در اين حديث، سبب شده كه چشم ناسخ، از يك مورد اين عبارت به مورد ديگر پرش كند و چنين سقطي رخ دهد.

با توجه به آن چه گذشت، نياز به چاپي انتقادي از الغيبة نعماني، بر مبناي نسخه‏ي رضوي، كاملاً احساس مي‏گردد. شايد با تفحّص در فهرست‏هاي نسخه‏هاي خطّي كتابخانه‏هاي مختلف، به نسخه يا نسخه‏هاي ديگري كه بتوان در اين تصحيح از آن‏ها بهره جست، دست يافت.

مرحوم مجلسي هم غالباً، نسخه‏هاي اصيل و ارزش‏مندي در اختيار داشته است، لذا مراجعه به بحار الأنوار، به عنوان يك نسخه، در اين تصحيح ضروري است.

اميد كه صاحب همّت و صلاحيّتي، به اين مهم دست يازد و اين اثر گران‏بها را از نو زنده سازد.

---------------

پي‏نوشت‏ها:

1) لذا اين باب، در برخي از نسخه‏هاي كتاب نيامده است. در ميانه‏ي اين باب، در ص 119 نيز اين عنوان ديده مي‏شود: ((ما رواه جابر بن سمرة...بعد ما في الأصل...)) . اين عبارت، به ضميمه شدن اين باب پس از تأليف كتاب، اشاره دارد. روايات جابر بن سمرة، پيش‏تر در ص 103 - 104 (رقم 31 - 33)، ص 106 (رقم 36)، ص 107 (رقم 38) نقل شده است.

2) افزوده از نسخه‏ي معتبر كتابخانه‏ي امام رضاعليه السلام كه وصف آن خواهد آمد.

3) از نسخه‏ي رضويه.

4) افزوده شده از نسخه‏ي رضويه.

5) الغيبة، نعماني، ص 18 - 32.

6) همان، ص 36 / ذيل 7 (كوتاه)، 42، 43 - 51، 55 - 57، 101 - 102، 107 - 110، 112 / ذيل 4 (كوتاه)، 115 - 116، 127 / ذيل 24 (كوتاه)، 135 136، 136 / ذيل 1 (كوتاه)، 144 - 145، 149، 151، 153 - 154، 157 - 158، 160 - 161، 163، 165 - 166، 169 - 170، 172 / ذيل 5 (كوتاه)، 173 - 174، 175 / ذيل 12 (كوتاه)، 179، 183 - 184، 184 - 185، 190 - 191، 193 - 194، 196، 201، 207 - 208، 211 - 212، 244 - 247، 282 - 283، 311 / ذيل 5 (كوتاه)، 323 - 324، 332 (خاتمه‏ي كتاب).

7) متن اين صلوات را از نسخه‏ي رضويه نقل كرده و به اختلافات مهم نسخه چاپي در حاشيه اشاره مي‏كنيم.

8) متن نسخه‏ي چاپي: الخازن.

9) در چاپ آقاي غفاري به جاي السلم، ((السلام)) آمده كه هر چند با ((الأنام)) هم سجع است، ولي عبارت صحيح (كه در نسخه‏ي خطي و چاپ سنگي آمده) ((السلم)) است كه با ((العلم)) هم سجع بوده و با آيه‏ي مورد استشهاد، تناسب دارد.

10) الغيبة، نعماني، ص 20.

11) همان، ص 29، 30، 43 - 51، 55 - 57.

12) همان، ص 29.

13) همان، ص 20، 45، 48، 49، 50، 110، 165.

14) همان، ص 30، 43 - 45، 55

15) همان، ص 48.

16) همان، ص 48 - 50.

17) همان، ص 50، 55.

18) همان، ص 56 و 57.

19) همان، ص 57.

20) همان، ص 101.

21) همان، ص 101و نيز ص 127.

22) همان، ص 107.

23) همان، ص 22، 26، 27، 157، 165، 169، 170، 186.

24) همان، ص 20 - 23، 57، 102، 135، 153، 157، 161، 165، 169، 173.

25) همان، ص 153.

26) همان، ص 136، 144 و 145، 149، 169، 173، 183، 184، 190، 193، 196.

27) همان، ص 157، 169.

28) همان، ص 157، 211

29) همان، ص 157.

30) همان، ص 160.

31) همان، ص 161، 173.

32) همان، ص 174.

33) همان، ص 161، 174، 193.

34) همان، ص 185، 190، 323.

35) همان، ص 190.

36) همان، ص 244 - 246، ص 282 و 283.

37) همان، ص 32. و نيز ر.ك: ص 324 - 329.

38) الغيبة نعماني، ص 102.

39) همان، ص 102 - 107. و نيز 116 - 127.

40) همان، ص 108 و 109.

41) همان، ص 36، ذيل 7.

42) همان، ص 175

43) همان، ص 42.

44) همان، ص 24، 101، 207، 323. و نيز ص 183.

45) همان، ص 157.

46) همان، ص 102.

47) همان، ص 17.

48) همان، ص 157.

49) همان، ص 101، 244و 245.

50) همان، ص 157، 165.

51) همان، ص 101، 244.

52) همان، ص 201، 245، 323.

53) همان، ص 207.

54) نيز ر.ك: ص 157، 165، 201 و...

55) ر.ك: ص 23، 55، 135، 166، 172، 183، 184، 190، 244، 323. و مواردي كه در حواشي پيشين ذكر شد.

56) همان، ص 165.

57) همان، ص 165.

58) همان، ص 244.

59) همان، ص 157.

60) همان، ص 183.

61) همان، ص 57، 101، 165، 193، 201، 323.

62) همان، ص 165.

63) به عنوان نمونه: ص 145، 158، 163، 165، 212، 246، 323.

64) ترجمه اندكي آزاد مي‏باشد.

65) الغيبة، نعماني، ص 183.

66) همان، ص 169.

67) همان، ص 153.

68) همان، ص 179.

69) همان، ص 193.

70) درباره‏ي اميد مؤلّف به هدايت شيعيانِ از راه به در رفته، بويژه به صفحه‏ي 208 مراجعه كنيد.

71) ص 134 - 147 (نسخه‏ي چاپي).

72) جناب اقاي مهدي پور، اين مورد را متذكّر شدند.

73) در نسخه‏ي رضوي: أمر - به جاي أجل - ذكر شده كه زيباتر به نظر مي‏آيد.